دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۷، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۹

راهبردهای صفارزاده و مجتبوی در «ابهام‌زدایی» واژگانی قرآن کریم و میزان بسندگی و پذیرفتگی آن‌ها براساس الگوی گارسس

مرضیه رحیمی آذین[۱]، مرتضی قائمی[۲*]، سید مهدی مسبوق[۳]

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲- استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۳- استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

چکیده

ترجمهٔ «ابهام» به ویژه در قرآن کریم یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل زبان‌شناسی است که برای برون‌رفت از آن انواع راهبردها ارائه شده است. گارسس با بهره‌گیری از آراء نیومارک، تکنیک‌هایی برای ترجمهٔ آن‌ها ارائه داده و در نهایت براساس این الگو «میزان ویژگی‌های مثبت و منفیِ بیانگر بسندگی و پذیرفتگی ابهام در متن ترجمه‌شده» مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی از نوع مقابله‌ای، ترجمه‌های مجتبوی با محوریت سبک ارتباطی و صفارزاده با محوریت سبک آزاد را از جزء سی‌ام قرآن کریم با هدف بهبود بخشیدن به کیفیتِ متن ترجمه شده به‌ویژه در چالش‌های ابهام زبانی، براساس یک نظریه و الگوی علمی، مورد بررسی قرار داده است. سپس با تکیه بر آمار، مقادیر به دست آمده از این تکنیک‌ها، مقایسه شده و میزان کفایت و مقبولیت هر کدام در ابهام‌زدایی بخش‌های مختلف سطح واژگانی شش سورهٔ اول جزء سی‌ام مشخص گردیده است. برآیند پژوهش بیانگر این است که ترجمهٔ مجتبوی از واژگان چندمعنا و مجازی، بسندگی و پذیرفتگی بالاتری نسبت به صفارزاده برخوردار است. صفارزاده با ارائهٔ متنی مقصدمحور و به دور از ابهام، دچار افزوده‌های خلاقانه و پیچیده در شفاف‌سازی ابهام‌ها شده است؛ به‌ویژه در واژگان مجازی. اگرچه در برخی موارد که نیازمند «شرح مبسوط» است همچون تلمیحات قرآنی، ترجمهٔ مجتبوی نسبت به صفارزاده کفایت و مقبولیت کمتری به خود اختصاص داده است. به طور کلی براساس الگوی گارسس، راهبردهای مجتبوی از کفایت و مقبولیت بالاتری نسبت به صفارزاده در ابهام‌زدایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: ترجمهٔ قرآن کریم، ابهام‌زدایی، گارسس، بسندگی، پذیرفتگی

*نویسنده مسئول مقاله: Email: mortezaghaemi2@gmail.com

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۱- مقدمه

ترجمه به عنوان عامل مهم زبانی برای تعامل بشریت، از دیرباز مورد توجه انسان اجتماعی قرار داشته است. ترجمه‌ها براساس سبک نویسنده و سبک مترجم با هم تفاوت‌های فراوان دارند که باعث تفاوت در کیفیت و میزان مقبولیت متن ترجمه شده می‌شود. این مهم به‌ویژه در ابهام‌ها و پیچیدگی متون توجه بیشتری را به خود معطوف می‌کند؛ ابهام‌هایی که هم برآمده از بافت بیرونی متن از جمله فرهنگ و فضای اجتماع است و هم بافت درونی زبان.

ابهام‌ها همیشه غیر بلیغ و مردود نیستند؛ در بسیاری موارد فرستندهٔ پیام، با استفاده از پیچیدگی‌های زبانی با هدف ایجاد چالش در ذهن گیرنده، پیامی مبهم و چندجانبه که دارای تأویل‌ها و تفاسیر متعددی است می‌فرستد. قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت است از ابهام‌های زبانی هدفمند بسیار بهره گرفته است. به همین علت دارای بطون و تفاسیر متعدد است. با افزایش ابهام در زبان مبدأ، مترجم به عنوان واسط بین مبدأ و مقصد دچار فراز و فرودهای بیشتری برای ایجاد تعادل در ترجمه می‌شود. به‌ویژه در متن قرآن کریم که هدفمند بودن ابهام‌ها خصوصاً در بخش فرهنگی و مجاز به مراتب بازگردانی به زبان‌های دیگر را سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.

۱-۱- بیان مسئله

در علم «ارزیابی کیفیت ترجمه»[1] به عنوان شاخه‌ای از مطالعات ترجمه سعی می‌شود نقاط قوت و ضعف ترجمه‌ها، به منظور بهبود هرچه بیشتر کیفیتِ متن ترجمه شده مورد ارزیابی قرار گیرد. به همین علت ارزیابی کیفیت ترجمه نیازمند چارچوبی علمی و نظری است تا از نقدهای سلیقه‌ای بکاهد. به منظور نیل به چنین هدفی نظریات و متناسب با اهداف و چهارچوب نظری، انواع الگوهای سنجش کیفیت ارائه شده است.

از این میان می‌توان به الگوی گارسس اشاره کرد. وی در الگوی پیشنهادی خود که تلفیقی از چند نظریه بوده و در آن به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه توجه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

شده است، برای مقایسهٔ شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح پیشنهاد می‌کند. بعد از بررسی سطوح مختلف در متن ترجمه‌شده، آنچه که در نهایت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، میزان ویژگی‌های مثبت و منفیِ بیانگر بسندگی و پذیرفتگی متن ترجمه‌شده نسبت به متن مبدأ است. از بین این سطوح، بخش «ابهام» در سطح «معنایی– لغوی» در پژوهش حاضر مورد توجه است. «ابهامِ» متن شامل ابهام در واژه، عبارت، جمله، مفهوم و... است که هر یک دارای ابعاد گوناگونی بوده و مترجمان برای بازگردانی آن‌ها نیازمند راهبردها و روش‌های علمی هستند. براساس انواع مختلف راهبردهای ترجمه، میزان کفایت و مقبولیت متغیر است. به نظر می‌رسد الگوی گارسس «به سبب گنجایشی که درتعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه شده و نیز میزان مطابقت آن‌ها با متن مبدأ دارد» (آذرشب، ۱۳۹۸: ۲۲۸؛ امرائی،۱۳۹۷: ۲؛ شمس آبادی، ۱۳۹۷؛ اقبالی نامداری، ۱۳۹۷) می‌تواند چارچوب کارآمدی برای بررسی کفایت و مقبولیت ترجمه‌ها باشد.

در حوزهٔ ترجمه قرآن کریم به عنوان متن دینی که اصل «وفاداری» در آن باید حفظ شود، مسئله کیفیت متن ترجمه‌شده، حساسیت و دقت چندبرابری می‌طلبد. ترجمهٔ قرآن کریم از همان دهه‌های ابتدایی نزول در جهت گسترش اسلام مورد توجه بوده و هست و تاکنون بارها به زبان‌های مختلف بازگردانده شده است. این نوع ترجمه‌ها با توجه به ابعاد گوناگونی چون زمان و عصر ترجمه، سبک و نوع ترجمه، دیدگاه و تفسیر مدنظر مترجم متفاوت بوده و درنتیجه کیفیت هرکدام متغیر است. راهبردی که مترجم سبک آزاد در ترجمهٔ مقصدمحور دارد با راهبرد مترجم مبدأمحور و یا مترجم سبک ارتباطی که هم به مقصد توجه دارد و هم تلاش دارد از مبدأ دور نشود، متفاوت است. نیومارک[۲] براساس تأکید بر زبان مبدأ و مقصد، سبک‌های ترجمه را به هشت نوع تقسیم کرده است:

۱– براساس تأکید بر زبان مبدأ: لفظ به لفظ، تحت‌اللفظی، وفادار، معنایی.

۲– براساس تأکید بر زبان مقصد: ارتباطی، سبکی، آزاد، اقتباس (نیومارک،۱۳۷۲: ٥٦).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

از میان این سبک‌ها دو سبک ارتباطی و آزاد که بر زبان هدف تأکید داشته و در پی رفع ابهام‌های متن هستند انتخاب شده است. معیار انتخاب این دو سبک تکیه بر میزان ابهام‌زدایی آن‌هاست که غالباً براساس زبان مقصد بازآفرینی می‌شوند:

۱- ترجمهٔ ارتباطی: ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات، عبارات و ساخت‌های دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند (همان: ۵۹). در این سبک مترجم براساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند براساس معنای کلمه در بافت متن، معادل‌یابی نماید (ناظمیان،خورشا، ۱۳۹۸: ۲۵۳). ترجمهٔ مجتبوی به این سبک نزدیک‌تر است.

۲- ترجمه آزاد: در این سبک، موضوع جدای از حالت یا به عبارتی محتوای بدون قالب متن اصلی بازنویسی می‌شود و معمولاً بازگفته‌ای[۳] است که طولانی‌تر از متن اصلی است و در اصطلاح به آن ترجمه "میان‌زبانی" گفته می‌شود (نیومارک،۱۳۷۲: ۵۸). این نوع ترجمه مقصدمحور بوده و بر بازگویی و انتقال پیام تکیه دارد تا متن اصلی. ترجمهٔ صفارزاده را می‌توان از این نوع ترجمه در نظر گرفت. هرچند در برخی موارد ترجمهٔ وی به ترجمهٔ تفسیری هم نزدیک می‌شود. بنابراین، دو سبک به عنوان سبک‌های پرکاربرد و مقبول در ترجمه دو مترجمی که دارای مقبولیت بالایی هستند بررسی خواهد شد: طاهره صفارزاده با محوریت ترجمهٔ آزاد، مجتبوی با محوریت ارتباطی.

علاوه بر انتخاب سبک‌ها، نوع ابهام موجود در آیات الهی که برآمده از ذووجوه و ذوبطون بودن متن قرآن است، بر انتخاب و میزان کیفیت ترجمهٔ آن تأثیری بسیاری دارد. تفاسیر گوناگون، انعطاف و چندگانگی معنایی و صرفی و نحوی در زبان عربی، معانی ثانویه و کنایی و استعاری، باعث شده راهبردهای بازگردانی ابهام‌های قرآن به زبان دیگر تنوع بسیاری داشته باشد. بنابراین، مترجمان در ترجمهٔ ابهام‌های قرآن کریم راهبردهای متفاوتی دارند که در برخی مواقع دارای کفایت و مقبولیت مثبت است و در مواقعی دیگر بسندگی و پذیرفتگی قابل قبولی را به دست نمی‌آورد. از این نظر، بررسی کیفیت

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

راهبردهای آن‌ها و بیان میزان قوت و ضعف هرکدام از راهبردها در جهت بهبود بخشیدن به کیفیتِ متن ترجمه شده به‌ویژه در چالش‌های ابهام زبانی، براساس یک نظریه و الگوی علمی از اهداف اصلی پژوهش حاضر است.

این منظور با استفاده از تحلیل‌های آماری و داده‌محور شش سورهٔ ابتدایی جزء سی‌ام قرآن کریم، انجام می‌شود. این جزء که شامل آیاتی با فواصل کوتاه بوده و غالباً مسائل توحید و رستاخیز را به تصویر می‌کشد، دارای موارد مبهم بسیاری در واژگان خود است؛ به همین دلیل در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین با توجه به عمق و جامعیت واژگانی قرآن کریم، در این پژوهش فرصت پرداختن تمامی جزء سی‌ام به دست نخواهد آمد. لذا ضمن بررسی میزان کفایت و مقبولیت راهبردهای دو مترجم بارز در دو سبک آزاد و ارتباطی در بازدگردانی ابهام‌های واژگانی شش سورهٔ ابتدایی آن یعنی سوره‌های مبارکهٔ «نبأ، نازعات، عبس، تکویر، انفطار و مطفّفین» بسامدها و آمارها به صورت جدول و نمودار ارائه شده است.

۱-۲- سؤالات پژوهش

بنابر آنچه گفته شد، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱- راهبردهای مجتبوی و صفارزاده در ترجمهٔ ابهام‌های واژگانی کدام است؟

۲- هرکدام از راهبردهای مترجمان در ابهام‌زدایی از چه بسامدی برخوردار است؟

۳- کدام یک از سبک‌های ترجمه‌ای یادشده زمینه بیشتری برای حصول پذیرفتگی و بسندگی بهتر در ابهام‌زدایی واژگانی فراهم کرده است؟

به نظر می‌رسد این دو مترجم که در انعکاس ابهام قرآنی تکنیک‌های متفاوتی دارند، بسامدهای متمایزی در به‌کارگیری راهبردهای خود داشته باشند و در همین راستا کفایت و مقبولیتی متفاوت در راهبردهای خود به دست آورده‌اند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۱-۳- پیشینه و ضرورت پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های فراوانی در رابطه با بررسی کیفیت ترجمه‌های قرآنی و متون دینی با هدف برانگیختن چالش‌ها و بهبود هرچه بیشتر ترجمه‌ها با تکیه بر الگوها و نظریات مختلفی چون هاوس، یاکوبسن، هالیدی و حسن به زبان‌های مختلف انجام شده است. از این میان الگوی گارسس در چندسال اخیر مورد توجه پژوهشگران ترجمه قرار گرفته است. از جمله پژوهش‌های قرآنی که براساس الگوی گارسس سامان یافته می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

در مقاله «نقد واژگانیِ ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس) » (۱۳۹٦)، محمد رحیمی خویگانی فقط یک سطح از این الگو را در نظر گرفته و به صورت نمونه‌ای کیفیت این ترجمه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

امرائی در مقالهٔ «نقد و ارزیابی ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس نظریهٔ گارسس» (۱۳۹۷)، سورهٔ بقره را براساس چهار سطح بررسی کرده و به این نتیجه می‌رسد که مترجم در دو سطح «سبکی و معنایی» موفق‌تر از دو سبک دیگر است.

اقبالی و نامداری در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمهٔ الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سورهٔ مبارکهٔ یوسف با تأکید بر نظریهٔ صرفی‌نحوی گارسس» (۱۳۹۷)، این سورهٔ مبارکه را فقط براساس یک سطح بررسی کرده و جنبه‌های قوت و ضعف ترجمه‌های منتخب را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش در یک بخش به ابهام‌های قرآنی و راهبرد مترجمان برای بازگردانی آن‌ها به صورت بسیار مختصر اشاره شده است.

آذرشب به همراه ملکی و اسداله‌ئی در پژوهشی با عنوان «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای براساس الگوی گارسس» (۱۳۹۸) سورهٔ مبارکهٔ قمر را براساس چهار سطح بررسی کرده و در یک بخش به صورت بسیار مختصر ابهام سه واژه را تحلیل کرده‌اند.

دربارهٔ ابهام‌های قرآنی پژوهش‌های پرشماری در سال‌های اخیر صورت گرفته است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

اسعد عرار در پایان‌نامهٔ «ظاهرهٔ اللبس فی العربیه» ابهام‌ها را در تمامی ابعاد خود به‌ویژه در متن قرآن بررسی کرده است.

همچنین جواهری در مقالهٔ «ابهام‌شناسی در ترجمهٔ قرآن کریم» (۱۳۸۷) انواع ابهام‌های قرآنی را بررسی کرده و برای ترجمهٔ آن‌ها روش‌هایی ارائه داده است.

یوسف نظری در مقالهٔ «وجوه ابهام یا ایهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمهٔ قرآن کریم» (۱۳۹۵) برآن است که ایهام و ابهام در دوران معاصر بر یک پایه می‌چرخند و سپس مواردی از ترجمهٔ ابهام‌های قرآنی را بررسی می‌کند.

هرچند در مواردی از پژوهش‌های مذکور به صورت خلاصه راهبردهای ابهام‌زدایی در یکی از ترجمه‌ها بررسی شده است اما، تا آنجا که نگارندگان پژوهش پیش‌رو جستجو نموده‌اند تاکنون پژوهشی به صورت مقابله‌ای وآماری به نقد و بررسی راهبردهای مترجم در شفاف‌سازی ابهام‌های واژگانی چند ترجمه از قرآن کریم براساس الگوی گارسس به صورت مستقل نپرداخته است. لذا در راستای پیشبرد و بهبود ترجمه‌های کتاب الهی به زبان فارسی، به‌ویژه در انعکاس ابهام‌های قرآنی، بررسی و تحلیل تکنیک‌های ترجمه‌ها با سبک‌های متفاوت براساس الگوی واژگانی گارسس امری مهم به نظر می‌رسد. چه، افزایش پژوهش‌های ترجمه براساس الگوهایی نظام‌مند و روش‌مدار باعث بهبود هرچه بیشتر در کیفیت ترجمه‌های قرآن کریم خواهد شد.

۲- مبانی نظری پژوهش

گارسس برای ترجمه ابهام‌ها بر نظریات مختلفی چون نیومارک تکیه دارد. در این بخش انواع ابهام‌ها از منظر نیومارک و راهبردهای گارسس برای بازگردانی آن‌ها بررسی شده و نیز میزان کفایت و مقبولیت آن‌ها با توجه به تداخلی که با راهبردهای منفی یا مثبت در الگوی گارسس دارند، بیان خواهد شد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۲-۱- ابهام

ابهام[٤] برگرفته از واژهٔ «بُهمة» به معنای بسته و نامفهوم و یا برگرفته از واژهٔ «بَهم» به معنای کار دشوار و نشدنی است. «إبهام الأمر» یعنی کار مشتبه شود به طوری که چاره‌اش را ندانی (لسان العرب،١٤١٠، ج١٢: ٦٥٥). در اصطلاح به معنای این است که کلمه، عبارت و یا جمله‌ای بیش از یک معنا داشته باشد (نظری ،١٣٩٥: ٦٤ به نقل از ریچارد،٢٠٠٢: ٢٤).

تکنیک ابهام، همیشه مردود و جزء غیرفصیح و نامفهوم زبان نیست، چه، به‌ویژه در بخش ادبی باعث عمق‌بخشی معانی می‌شود. «ابهام، جوهرهٔ ادبیات است و ارزش هنری و راز ماندگاری آثار جاودانه بسته به میزان ابهام نهفته در آن‌هاست. ابهام با شرکت دادن خواننده در آفرینش معنا، نوعی تعامل میان خواننده و متن ایجاد می‌کند» (فتوحی،١٣٨٧: ٣٢). بنابراین، قرآن کریم که در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد، می‌تواند با ایجاد واژگان، عبارات و جملات مبهم بر ارزش معنایی و بلاغی خود بیافزاید و به همین علت دانشمندان تحتِ عناوینی چون «ذوبطون، ذووجوه، أشباه، نظایر، اتّساع، متشابه» به تفسیر و تأویل قرآن توجه دارند. ابهام‌های قرآن کریم گاهی برگرفته از ابهام زبان عربی است مانند واژگان «چندمعنا»، چه، براساس دیدگاه قرعاوی در کتاب «وجوه و نظائر» «زبان عرب از لحاظ تعابیر معانی بسیار گسترده است و می‌تواند یک معنا را با واژگان یا روش‌های مختلف بیان کند» (قرعاوی،١٤١٠: ١٨) و گاهی برگرفته از ساختارهای چند وجهی و متشابه آیات الهی است که در برخی موارد چندین تأویل از سوی مفسران بر آن مترتب می‌شود.

این تکنیک انواع مختلف و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد و در علوم مختلفی چون معناشناسی، زبان‌شناسی، ادبیات، علوم قرآن، فقه، متون قانون و حقوق و... به آن توجه شده است که براساس تعدّد نظریات و دیدگاه‌های مختلف شکل گرفته‌اند. از جمله می‌توان به تقسیم‌بندی اسعدعرار از ابهام که کامل‌تر و دقیق‌تر به نظر می‌رسد، اشاره کرد. وی با استفاده از نظریات زبان‌شناسان عربی–غربی، ابهام را به شش دسته تقسیم کرده است: ابهام آوایی، ابهام ساختار صرفی، ابهام ساختار نحوی، ابهام واژگانی، ابهام سبکی، ابهام بافتی (اسعد عرار، ٢٠٠٣: ٢٢٨–٨٧).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۲-۲- ابهام در نظریهٔ گارسس

«ابهام» به عنوان یکی از نامتعیّن‌ترین بخش‌های زبانی در ترجمه است و براساس گونه‌های متفاوت آن، در ترجمه راهبردهایی برای برون‌رفت از این مسئله و تولید ترجمه‌ای متعادل بیان شده است. یکی از کسانی که به این مسئله با عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث کیفیت ترجمه توجه دارد خانم کارمن گارسس[۵] است. وی براساس نظریات مختلف ترجمه در سال ۱۹۹٤میلادی، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه کرد. این الگوی سنجش کیفیت غالباً جوانب ترجمه و تکنیک‌های آن را در نظر می‌گیرد و در آن به نظریات زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ترجمه، همچون نیومارک، نایدا[٦]، وینه و داربنله[۷]، توجه دارد.

گارسس برای مقایسهٔ شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد و ارائه میزان ویژگی‌های مثبت و منفیِ بیانگر کیفیت «بسندگی یا کفایت[۸]» و «پذیرفتگی یا مقبولیت[۹]» در متن مقصد، چهار سطح پیشنهاد می‌کند.

هریک از این سطوح دارای زیرگروه‌های خاص خود هستند که البته گاهی تشکیل حوزه‌های مشترک می‌دهند:

۱- سطح معنایی- لغوی[۱۰]، ۲- سطح نحوی- واژه‌ساختی[۱۱]، ۳- سطح گفتمانی- کارکردی[۱۲]، ٤- سطح سبکی- منظورشناختی[۱۳] (Garcés ,1994: 70).

وی ابهام را یکی از زیرشاخه‌های سطح معنایی- لغوی معرفی می‌کند و در تقسیم‌بندی ابهام بر آراء نیومارک تکیه دارد. نیومارک در تعریف ابهام چنین می‌گوید: «ابهام یعنی واژه یا ساختار دستوری که علی‌رغم بافتش می‌تواند بیش از یک معنا داشته باشد» (نیومارک،۱۳۷۲: ۲۸٦). که شامل هفت بخش می‌شود: دستوری، واژگانی، عملکردی یا کارکردی، فرهنگی، در لهجه فردی، در ارجاع، استعاره‌ای (همان: ۲۸٦) و در بخشی دیگر ابهام را به طور کلی به دو گونهٔ تعمدی و غیر تعمدی تقسیم می‌کند و اذعان دارد که «در صورت امکان باید در ترجمه ابهام عمدی را حفظ کرد» (همان: ۲٦۹). اگر چه نیومارک

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

صحت ترجمه را در عدم ترجمهٔ ابهام‌های عمدی می‌داند اما، این مسئله زمانی قابل اجراست که بر زیبایی ترجمه افزوده شود (به طور متناوب منظور ابهام‌های استعاری و بازگردانی آن‌ها به شیوهٔ استعاره است) و همچنین امکان آن وجود داشته باشد. از دیگر سو، نیومارک معتقد است ابهام‌ها به‌ویژه ابهام‌های واژگانی را باید رفع کرد (همان: ۲۸۷).

گارسس برای ترجمهٔ انواع ابهام‌های برگرفته از تقسیم‌بندی نیومارک، راهبردهایی را پیشنهاد می‌کند که در هر کدام از این راهبردها متکی به دیدگاه‌هایی چون نیومارک، نایدا، وینه و داربلنه، کتفورد و ... است و البته گاهی خود با تلفیقی از آن‌ها راهبردهایی را ارائه می‌کند.

براساس این الگو آنچه که در نهایت مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، میزان ویژگی‌های مثبت و منفیِ بیانگر کیفیت «بسندگی یا کفایت» و «پذیرفتگی یا مقبولیت» در متن مقصد است؛ «میزان کفایت در حقیقت انطباق عناصر زبانی در دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقّت مترجم در رساندن پیام مورد نظر و مقبولیت میزان قابل قبول بودن از سوی خوانندگان زبان مقصد است» (فرزانه، ۱۳۸۷: ٥٤). بنابراین از بین تکنیک‌های پیشنهادی گارسس می‌توان دو گروه اصلی اشاره کرد:

۱- تکنیک‌هایی که دارای بسندگی مثبت بوده و نشان‌دهندهٔ کفایت و مقبولیت متن ترجمه‌شده است. از جمله: تعریف[۱٤]، معادل فرهنگی[۱٥] (کارکردی)، بسط نحوی[۱٦]، توضیح[۱۷] یا بسط معنا، حفظ صنایع بلاغی.

۲- تکنیک‌هایی که دارای بسندگی منفی بوده و نشانگر عدم کفایت و مقبولیت متن ترجمه‌شده است. از جمله: قبض نحوی[۱۷]، ابهام، ترجمه تحت‌اللفظی[۱۹]، نارسایی در معادل‌هایی همچون عناصر فرهنگی و مجازها، بسط خلاقانه[۲۰]، اشتباه مترجم، کاربرد اصطلاحات نامناسب، بسط ساده[۲۱]، حذف یا تغییر صنایع بلاغی، تلویح، تقلیل، حذف (Garcés ,1994: 89).

در پژوهش حاضر «ابهام‌های واژگانی»[۲۲] به عنوان شاخه‌ای از ابهام‌های زبانی و راهبردهای ترجمهٔ آن براساس دیدگاه گارسس مورد توجه است. بنابراین، منظور از «ابهام‌زدایی» در

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

قرآن کریم: راهبردهای گارسس برای بازگردانی واژگان مبهم است. هر کدام از این راهبردها ذیل سطوح مختلف در پژوهش حاضر ارائه خواهد شد. بعد از توضیح هر مبحث، به نمونه‌هایی در همان باب اشاره شده و سپس جدول‌هایی ارائه می‌گردد که شامل:

۱. نمونه‌هایی از مباحث مورد نظر، ۲. ترجمه آن‌ها، ۳. تفسیر یا معنای واژگانی آن‌ها، ٤. راهبرد ترجمه آن‌ها براساس الگوی گارسس (برگرفته از دیگر سطوح این الگو و یا نظریات مدنظر گارسس)، ۵. میزان و نوع تداخل آن‌ها با تکنیک‌هایی که گارسس منفی معرفی می‌کند، است.

میزان تداخل آن‌ها با تکنیک‌های منفی نشانگر میزان منفی بودن راهبرد مترجم در بازگردانی واژه‌هاست که در جدولی جداگانه ارائه شده است و در مواردی که تداخلی با تکنیک‌های منفی ندارند با علامت خط تیره (–) در جداول نشان داده شده است. در نهایت میزان بسندگی و پذیرفتگی مثبت یا منفی آن‌ها براساس داده‌ها در نمودارها بیان خواهد شد.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها: راهبردهای مترجمان در ابهام‌زدایی واژگانی

ابهام واژگانی زمانی رخ می‌دهد که یک واژه دلالت‌های چندگانه داشته باشد. «در چنین شرایطی، دلالت‌های چندگانهٔ آن واژه، امکان یک تعبیر مشخص را میسّر نمی‌سازد به همین علت آن واژه از چند تعبیر مختلف برخوردار می‌شود» (نظری، ۱۳۹۵: ٦۷). نیومارک معتقد است که «ابهام واژگانی هم از ابهام دستوری معمول‌تر است و هم نسبت به آن مشکل‌تر می‌توان از آن رفع ابهام کرد» (نیومارک،۱۳۷۲: ۲۸۷). از جمله عمده‌ترین تقسیمات ابهام واژگانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ابهام مقوله‌ای، واژه‌های هم آوا–هم‌نویسه، چندمعنایی و واژگان اضداد. مورد اول بیشتر به نقش کلمات و بافت جمله اشاره دارد و در ابهام ساختاری بررسی می‌شود. مورد دوم که با عنوان جناس تام یاد می‌شود، در قرآن کریم علاوه بر اینکه در بافت و سیاق آیات مشخص است، به گفته جواهری به علت وجود تفاسیر و قرائن از ساحت قرآن رفع ابهام شده است (ر.ک: جواهری، ۱۳۷۸: ۱۸۹).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

البته نیومارک علاوه بر واژگان چندمعنا و جناس‌تام، در ابهام واژگانی به استعاره (به معنای کلی مجاز (رک: نیومارک،۱۳۷۲: ۱۳۷-۱۳۹)) و عناصر فرهنگی هم اشاره دارد: «واژه‌ها ممکن است بین ۱ تا ۳۰ معنی داشته باشند. و احتمال دارد این معانی نزدیک به هم یا متفاوت باشند. گاهی واژه‌ای دو معنی دارد که هر دوی آن‌ها در متن زبانی مربوط به یک اندازه از لحاظ کاربردی و ارجاعی مناسب‌اند. گاهی مثلاً در مورد مفهوم استعاری و تحت‌اللفظی یک واژه می‌توان در ذهن خود با هر دو معنی ترجمه کرد. ... بسیاری از واژه‌های فرهنگی و مفهومی که در بسیاری از زبان‌ها تقریباً جهانشمول هستند، اجزای معنایی متفاوت و نیز مشترکی دارند و روشن نیست که با معنای عادی زبان مبدأ به‌کار رفته‌اند یا با معانی موجود در زبان‌های دیگر» (همان: ۲۸۷). بنابراین، واژگان مجازی، فرهنگی، چندمعنا و اضداد، در بخش ابهام واژگانی قرار می‌گیرد و انواع ابهام‌های دستوری، ارجاعی، عبارات و جملات مجازی و فرهنگی در بخش ابهام دستوری و ساختار جمله و کلام بررسی می‌شوند. از این رو، واژگان چندمعنا، واژگان اضداد، واژگان مجازی و واژگان فرهنگی در این پژوهش تحلیل و ارائه خواهند شد و در ادامه هریک از این موارد توضیح داده می‌شود.

۳-۱- واژگان چندمعنا و اضداد

چندمعنایی یا ابهام انتقالی در واژگان، زمانی رخ می‌دهد که یک واژه قاموسی، دربردارندهٔ معانی و دلالت‌های مختلفی باشد (شهبازی، ۱۳۹۳: ۵۲). ابن انباری در کتاب ***اضداد*** دربارهٔ واژگان اضداد چنین می‌نویسد: «اضداد» به واژه‌ای اطلاق می‌شود که بر دو معنای متضاد دلالت دارد. البته زمانی این مسئله جایز است که مخاطب از ساختار جمله معنای مورد نظر را دریابد (ابن انباری، بی‌تا: ٤).

گارسس برای بازگردانی واژگان چندمعنا و اضداد متکی بر دیگر راهبردها در انواع سطوح‌هاست. از جمله:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۱. تعریف: بیان معنی واژه بـه صـورت عبـارت اسـمی یـا شـبه‌جملـه صـفتی (مختـاری اردکانی،۱۳۷٦: ۵۰).

۲. بسط نحوی افزودن یک یا چند کلمه به ترجمه بر حسب ضرورت (همان: ۵۱).

۳. بسط معنایی «قسمتی از متن که باید تصریح شود، توضیح یا بسط معنایی می‌یابد. بخصوص در ترجمه لغاتی که خاص یک فرهنگ هستند راهبردی متـداول بـه حسـاب می‌آید» (نیومارک،۱۳۷۲: ۱۱۵).

٤. تصریح یا آشکارسازی «به باور وینه و داربلنت شفاف‌سازی روندی اسـت کـه در آن اطلاعات ضمنیِ متن مبدأ، با استفاده از اطلاعات بافتی یا موقعیت در متن مبـدأ بـه روشـنی بیان شود» (زندرحیمی،۱۳۹۷: ۱۲٦).

۵. توضیح.

٦. پاورقی.

۳-۱-۱- واژگان چندمعنا

چندمعنایی واژگانی می‌تواند شامل واژگان «همزمان و درزمان» باشد. علاوه بر تطور معنـایی و هنجارگریزی واژگان، دلایل دیگری هم باعث چندمعنایی واژگان مـی‌شـود: یـک واژه در علوم مختلف دارای مدلول‌های خاصی باشد؛ واژه‌های شـبیه بـه هـم از ریشـه‌هـا و اصـول مختلف ساخته شده باشد؛ ساختار صرفی یک اسم دارای دلالت‌های معنایی متفـاوت باشـد. مقصود از چندمعنایی در پژوهش حاضر، واژگانی است که در یک بافت و یا ریشهٔ یکسـان، معانی متعدد داشته باشند و یا در گذر زمان و در بافت جدید فرهنگ قـرآن در زمـان ظهـور اسلام معنایی نو گرفته باشند. به عبارت دیگر، چندمعنایی آن‌ها به علت مشتق شدن از ریشـهٔ متفاوت یا قرارگرفتن در بافت‌ها و سیاق مختلف نباشد. ۱۷ مورد واژگان چنـدمعنا در آیـات منتخب وجود دارد: ﴿۱. **الْهَوَى** (نازعات/٤۰)، ۲. **غُلْبًا** (عـبس/۳۰)، ۳. **سُـجِّرَتْ (تکـویر**/٦)، ٤. **انكَدَرَتْ (تکویر**/۲)، ۵. **الْمُعْصِرَاتِ** (نبأ/١٤)، ٦. **تَلَهَّى (عبس**/۱۰)، ۷. **مَرْقُومٌ** (مطففـین/۹و۲۰)، ۸. **مَّخْتُومٍ و خِتَـامُ** (مطففـین/۲۵و ۲٦)، ۹. **فَكِهِـينَ** (مطففـین/۳۱)، ۱۰. **الْحَـافِرَةِ** (نازعـات/۱۰)، ۱۱.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

تَصَدَّى (عبس/٦)، ١٢. **مَّرْفُوعَةٍ** (عبس/١٤)، ١٣. **تَرْهَقُ** (عبس/٤١)، ١٤. **يَشْهَدُ** (مطففين/٢١)، ١٥. **سَوَّى** (نازعات/٢٨،انفطار/٧)، ١٦. **تَذْكِرَةٌ** (عبس/١١)، ١٧. **يَزَّكَّى** (عبس/ ٣و ٧)﴾

﴿**وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ**﴾(تكوير/٦)

سجر التنور: تنور را گرم كرد، سجر النهر: رود را پر كرد (فيروزآبادی،١٩٩٨: ٤٠٤). چندين تفسير دربارۀ اين واژه گفته شده است از جمله:

١. تمام آب‌های دريا از شور و شيرين درهم آميزد تا پر شود.

٢. تمامی آب‌های درياها درهم آميزد و همگی در يک دريا گرد آورده شود و يک دريا شود.

٣. درياها آتش زده شوند پس آتش شعله‌ور شود (طبرسی،١٤١٤: ج١٠: ٢٤٨).

- مجتبوی: و آنگاه كه درياها به جوش آيند- يا با اتصال به يكديگر پر شوند-
- صفارزاده: و آن زمان كه درياها جوشان گردند؛

مترجمان با واژه «جوشان» سعی دارند به هر دو معنا اشاره داشته باشد و معنای دوم آن را داخل دو خط فاصل آورده است:

﴿ **وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ** ﴾ (تكوير/٢)

كَدَر: كِدِر و تيره شد. إنكدر: در باب انفعال دارای دو معناست: شتافت، از بين رفت (صحاح،٢٠٠٩: ٩٨٩) منظور آيه می‌تواند تكه تكه شدن ستارگان باشد (لسان العرب،١٤١٠، ج١٤: ٣٧١). براين‌اساس اين واژه دارای سه معناست: تيره شدن، افتادن سريع، از بين رفتن. علامه طباطبايی ضمن اشاره به دو معنای اول منظور آيه را از بين رفتن نور ستارگان يا خود ستارگان می‌داند (طباطبائی،١٤١٧، ج٢٠: ٤٨١).

- مجتبوی: و آنگاه كه ستارگان تيره گردند و فرو ريزند.
- صفارزاده: و آن زمان كه ستارگان بی‌نور شوند.

مجتبوی به هر دو معنا اشاره كرده است و صفارزاده به يكی از معانی اشاره دارد. اگر چه مجتبوی سعی دارد ترجمۀ كامل‌تری ارائه دهد اما، بنظر می‌رسد ترجمۀ دو معنای

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

متفاوت از یک واژه بدون ایجاد فاصل و اشراب شده در متن، برای خواننده ایجاد ابهام کند. از دیگر سو، ترجمهٔ صفارزاده براساس یکی از معانی است و ممکن بود معنای دوم تصویر بهتری را برای خواننده ایجاد کند. بنابراین بهتر می‌بود به هر دو معنا البته با ایجاد یک فاصل و یا در شرح آیه اشاره شود. در جدول ذیل نمونه‌هایی از واژگان چند معنا همراه با ترجمه و راهبردهای مترجمان و همچنین نوع تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند ارائه شده است:

جدول ۳-۱- ارائه راهبردهای ترجمهٔ چند واژهٔ چندمعنا و میزان تداخل آن‌ها با تکنیک‌های منفی

واژه قرآنی	تفسیر/معنای لغوی	مترجم	ترجمه	راهبرد ترجمه	تداخل
***مختوم *خِتَامُهُ (مطففین/ ۲۵و ۲۶)**	خَتَمَ خَتماً یا خِتاماً: بر آن مهر زد یا به پایانش رسید. خاتم: آنچه که با آن دهانه کوزه را می‌بندند یا پایان یک چیز (فیروزآبادی).	مجتبوی	* سر به مهر * مهر آن	** تعریف یکی از معانی واژه	-
		صفارزاده	* سر به مهر * مهری که بر سر سبوی نوشیدنی نهاده شده	* تعریف یکی از معانی واژه * بسط نحوی و معنایی یک معنا	- * بسط ساده
الْهَوَى (نازعات/۴۰)	هوای نفس و یا سقوط به (درجات) پایین (صحاح)	مجتبوی	آرزو و کام دل	تعریف یک معنا	-
		صفارزاده	هوا و هوس	تعریف اصطلاحی یک معنا	-
غُلْبًا (عبس/۳۰)	جمع غلباء: درختان بزرگ و عظیم الجثه یا زیاد (طباطبائی). درختان عظیم الجثه و از گونه‌های متفاوت یا انبوه (طبرسی).	مجتبوی	پردرخت	تعریف دو معنای واژه	-
		صفارزاده	انبوه از درختان تودرتو	تعریف یک معنای واژه	بسط ساده

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۳-۱-۲- واژگان اضداد

ابن انباری دلایلی را که باعث می‌شود واژه‌ای دو معنای متضاد داشته باشد بیان کرده است:

۱. در معنای اصلی تضاد وجود دارد.

۲. از دو ریشهٔ متفاوت ساخته شده‌اند (اشتقاق).

۳. حرف تعدی آن‌ها متفاوت است مانند «الدعا لـ» یا «الدعا علی»

٤. یک ساختار دارای دو معنای متفاوت باشد مانند «فعیل یا فعول» بـه معنـای «فاعـل یـا مفعول» (ر.ک: ابن انباری، بی‌تا: ۱۲۰-۵).

واژگان اضداد در پژوهش حاضر شامل مورد اول می‌شوند که ۵ مـورد یافـت شـد: ﴿۱. **يَرْجُونَ** (نبأ/۲۷) ۲. **يَظُنُّ** (مطففین/٤) ۳. **حَمِيمًا** (نبـأ/۲۵) ٤. **عَسْـعَسَ** (تکـویر/۱۷) ٥. **بَعْـدَ ذَلِـكَ** (نازعات/۳۰) ﴾

﴿ **وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ** ﴾ (تکویر/۱۷)

واژه «عسعس» رباعی «عسس» بـوده و بـه معنـای چرخیـدن در شـب اسـت. «عسـعس اللیلُ»: یعنی تاریکی شب روی آورد. اغلب مفسران معتقدنـد در ایـن آیـه «عسـعس» یعنـی روی برگردانـدن شـب (صـحاح،۲۰۰۹: ۷٦۸) و کنایـه از اول شـب یـا آخـر آن اسـت (طباطبائی،۱٤۱۷،ج۲۰: ٤۸٤).

- مجتبوی: و سوگند به شب چون پشت کند و برود – یا در آید-
- صفارزاده: و سوگند به شب آنگاه که [از تاریکی‌اش کاسته شود و] رو به بازگشـت دارد.

مجتبوی هر دو معنا را با ایجاد فاصله ارائه کرده است. امـا، صـفارزاده یکـی از معنـای را همراه تصریح معنای استعاری آن بیان کرده است. در جدول ذیل دیگر واژگان اضداد همـراه با راهبرد ترجمه ارائه شده است. از آنجایی که هیچ یک از ترجمه‌های ارائه شده بـا تکنیـک منفی تداخل ندارد، قسمت مربوط به تداخل منفی حذف شده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

جدول ۳-۲- ارائه راهبردهای ترجمه در واژگان اضداد

واژه قرآنی	تفسیر/معنای لغوی	مترجم	ترجمه	راهبرد ترجمه
حَمِيمًا (نبأ/۲۵)	حمیم هم برای گرما به کار می‌رود و هم برای سرما، مشهورتر گرماست (ابن انباری). در این آیه: آب گرم بسیار داغ (طباطبائی).	مجتبوی	آب جوشان	تعریف یک معنا
		صفارزاده	آب جوش	تعریف یک معنا
وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (نازعات/۳۰)	بعد: معنای مشهورش تأخیر کردن و گاهی به معنای قبل است، مانند همین آیه(ابن انباری). براساس تفاسیر دیگر به معنای بعد است (طباطبائی).	مجتبوی	پس از آن	ترجمه یک معنا
		صفارزاده	سپس	ترجمه یک معنا
* **كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا**(نبأ/۲۷) * **أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ** (مطففین/٤)	رجی، ظنّ: شک یا یقین (ابن انباری).	مجتبوی	*امید -باور- نمی‌داشتند *گمان نمی‌برند	ترجمه دومعنا با فاصل ترجمه یک معنا
		صفارزاده	*باور نداشتند * نمی‌پندارند	ترجمه یک معنا

بافت یکی از اصلی‌ترین ابرازهای تشخیص معنا در چندمعنایی و واژگان اضداد است. در کمتر آیاتی واژه‌ای به چشم می‌خورد که به هر دو معنا و به‌ویژه معانی اضداد در یک بافت دلالت داشته باشد. بنابراین، مترجمان یکی از معانی را براساس همنشینی انتخاب می‌کنند. مجتبوی به علت وفاداری به متن اصلی، هر دو معنای واژه را در ترجمه خود بیان کرده و غالباً معنای دوم یا معنی دور را جدای از متن اصلی بیان می‌کند. اگرچه بیان دقیق

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

معانی و پای‌بندی به متن اصلی به‌ویژه بعد از ایجاد فاصله بین دو معنا، از اهداف ترجمه است اما ارادهٔ دو معنا از یک واژه بدون توضیح، باعث پیچیدگی متن می‌شود که در برخی موارد مجتبوی آن را رعایت نکرده است. براین‌اساس، به نظر می‌رسد انتخاب یکی از معانی براساس سیاق و بافت متن بهترین راهبرد باشد.

همانگونه که صفارزاده در بیشتر موارد به یکی از معانی تکیه دارد. البته افراط در افزوده‌های خلاقانه در جهت تعادل‌بخشی بین معانی، در ترجمهٔ وی متن را بیشتر از ترجمهٔ مجتبوی دچار پیچیدگی کرده است.

در جدول ذیل بسامد کل واژگان چندمعنا و اضداد و میزان ترجمهٔ هر دومعنا و سپس بیشترین راهبردهایی که مترجمان برای بازگردانی آن‌ها در شش سورهٔ مورد بررسی استفاده کرده‌اند همراه با میزان تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند بیان شده است. سپس براساس همین بسامد راهبردهای منفی و مثبت آن‌ها در نمودار نشان داده شده است.

جدول ۳-۳- بسامد راهبردها ترجمهٔ واژگان چندمعنا و اضداد و میزان تداخل آن‌ها با تکنیک‌های منفی

بسامد واژگان	مترجم	بسامد ترجمهٔ دومعنا	بالاترین بسامد راهبردها ترجمهٔ دو معنا	تداخل منفی
۲۲واژه	صفارزاده	یک واژه	توضیح داخل کروشه	٦ مورد
	مجتبوی	۷ واژه	۲ واژه اشراب شده درمتن و ۵ واژه داخل دو خط فاصل	۳ مورد

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

نمودار ۳-۱- بسامد راهبرد مثبت و منفی در ترجمهٔ چندمعنا و اضداد

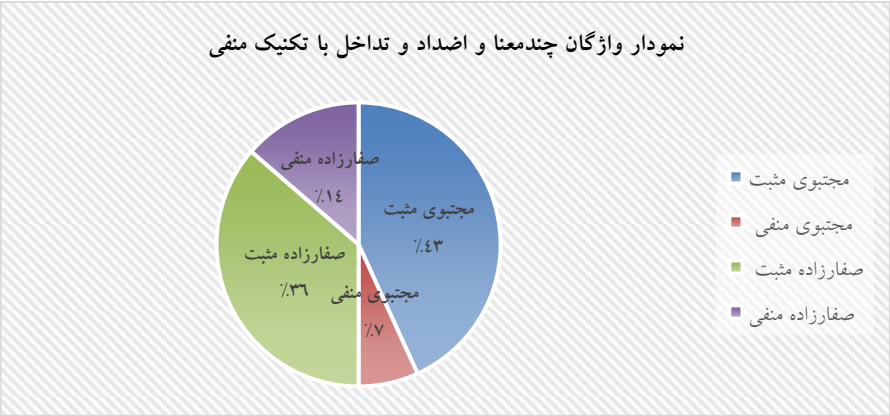

۳-۲- واژگان فرهنگی

گارسس در ترجمه عناصر فرهنگی بر نظریه نیومارک تکیه دارد. براساس این دیدگاه فرهنگ «راه و روش زندگی و مظاهر آن است که خاص گروهی با زبان مشترک است» و عناصر آن شامل این موارد است:

«۱. بوم‌شناسی، ۲. فرهنگ مادی(مصنوعات)، ۳. فرهنگ اجتماعی-کار و فراغت، ٤. نهادها، آداب‌ورسوم، فعالیت‌ها و جریانات: سیاسی و اداری، دینی، هنری، ۵. ژست‌ها، اشارات و حرکات حین سخن گفتن» (نیومارک،۱۳۷۲ :۱۳٤).

راه‌کارهای وی برای بازگردانی آن‌ها بدین شرح است:

۱. انتقال یا وام‌گیری (آوردن کلمه ای از زبان مبدأ به زبان مقصد) ۲. بومی کردن[۲۳] (آوردن واژه از مبدأ به مقصد بعد از تغییر در تلفظ و شکل واژه) ۳. معادل فرهنگی ٤. خنثی کردن (آوردن معادل توصیفی یا کارکردی) ۵. ترجمه تحت‌اللفظی ٦. ترجمه موقت (ترجمهٔ موقت واژه داخل گیومه برای تغییر آن در فرصت‌های دیگر) ۷. تحلیل محتوا (تفکیک یک واحد واژگانی به اجزاء معنایی آن) ۸ حذف ۹. ترجمه تلفیقی (ترکیب چند روش) ۱۰. ترجمه جاافتاده و رایج ۱۱. یادداشت، شرح، توضیح (داخل متن یا پاورقی) ۱۲. مشخص‌گرها (همان:۱۳٤ و ۱۲۰-۱۰۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

در جزء سی‌ام قرآن کریم که غالباً بر پایهٔ تصویرسازی است به طور کلی سه نـوع عنصـر فرهنگی به کار رفته است: ۱. فرهنگ عربی ۲. تلمیحات تاریخی (تاریخ دینـی و عربـی) ۳. فرهنگ قرآنی و دینی.

۳-۲-۱- فرهنگ عربی

در این بخش واژگان مربوط به فرهنگ عرب که در قرآن کـریم وارد شـده اسـت شـامل دو جزء أ: فرهنگ مادی و بـ: اجتماعی و آداب‌ورسوم و بوم‌شناسی بررسی خواهد شد. بـه طـور کلی ٤٦ مورد واژه مربوط به فرهنگ عربی در آیات منتخب بوده که در جدول ذیـل بـدان‌هـا اشـاره شده است.

جدول ۳-۴- واژگان فرهنگ عربی

ردیف	فرهنـگ مـادی (۱۲ مورد)		فرهنگ اجتماعی و آداب‌ورسـوم (۲۰ مورد)			بوم‌شناسی (١٤ مورد)	
۱	مِهَادًا	أوتاداً	كَأْسًـــا دِهَاقًا	رَّحِيقٍ	صَاحِبَة	الْمُعْصِرَاتِ	الْكَوَاكِبُ
۲	لِبَاسًا	سِرَاجًا	سَرَابًا	خِتَامُـهُ و مَّخْتُومٍ	الْخُنَّسِ	جنَّات	حَدَائِقَ
۳	الْأَرَائِكِ		يَسْتَوْفُونَ	يُخْسِرُونَ	أَسَاطِيرُ	الْعِشَارُ	فَاكِهَةً
٤	شَرَابًا	غَسَّاقًا	كَالُوهُمْ	اكْتَالُوا	وَّزَنُوهُمْ	زَيْتُونًا	نَخْلًا
٥	حَمِيمًا	سَمْكَ	كَوَاعِبَ	مُرْسَاهَا	الْمَوْؤُودَةُ	أَعْنَابًا	قَضْبًا
٦	صُحُفِ	الْعَرْشِ	نُّطْفَةٍ	الْوُحُوشُ	كُشِطَتْ	أَبًّا	مَرْعَا
۷	سابحات		الْمُطَفِّفِينَ	مِزَاجُ		الْخُنَّسِ	الْكُنَّسِ

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۳-۲-۱-۱- فرهنگ مادی (مصنوعات)

براساس نظریهٔ نیومارک عناصر فرهنگ مادی شامل «مواد غذایی، پوشاک، مسکن و شهرها، وسایل نقلیه» می‌شود (همان:۱۲۲). چند نمونه از این موارد براساس دیدگاه مورد نظر بررسی شده است:

﴿**عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ**﴾ (مطففین/۳۵)

«الْأَرَائِكِ» جمع أریکة: حجلة آراسته شده برای عروس (طباطبائی،۱٤۱۷، ج۲۰: ۵۰۲).

- مجتبوی: در حالی که بر تخت‌ها [ی آراسته تکیه زده‌اند] می‌نگرند- به دوزخیان که به انواع عذاب گرفتارند-
- صفارزاده: بر نیمکت‌هایی پایه بلند، تکیه زده و به جمال نعمت‌های الهی خیره می‌نگرند.

هر دو مترجم با استفاده از معادل توصیفی به ترجمهٔ واژهٔ فرهنگی پرداخته‌اند. اما ترجمهٔ مجتبوی به معنای لغوی آن‌ها نزدیک‌تر است.

در جدول ذیل راهبردهای مترجمان در ترجمهٔ مواردی از واژگان فرهنگی مادی و تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند بررسی شده است:

جدول ۳-۵- نمونه‌هایی از ترجمهٔ واژگان فرهنگی۱ و تداخل آن‌ها با تکنیک منفی

واژه قرآنی	تفسیر/معنای لغوی	مترجم	ترجمه	راهبرد ترجمه	تداخل
مِهَادًا أَوْتَادًا (نبأ/٦و٧)	مهاد:بستر و فراش، مَهَّدَ الشئ: گسترد، پهن کرد (لسان العرب). وتد: یک نوع میخ است بزرگتر و محکمتر از میخ معمولی (طبرسی).	مجتبوی	* بستر و قرارگاه * میخ‌هایی	* معادل توصیفی * تحت‌اللفظی	* بسط ساده * نارسایی در معادل
		صفارزاده	* مکانی وسیع برای	* معادل توصیفی	* بسط ساده

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

			زنـــــدگی و آسایش شما * مـیخ‌هـای محکمی برای حفـظ شـما و زمین از لرزش	* معادل فرهنگی/ شرح	*-
ســـابحات (نازعات/۳)	سـبح: در حرکـت شتاب کرد. به اسب سابح گوینـد وقتـی کـه سـریع بـدود. منظـور فرشـتگانی اسـت سـریع ارواح را قـبض مـی‌کننـد (طباطبائی).	مجتبوی	شناکنندگان – فرشتگانی کـه آمـد و شـد مـی‌کننـد، یـا شـــناوران آسمانی ماننـد ستارگان و ماه و خورشید-	تحـت‌اللفظـی / شرح	* نارسایی در معادل
		صفارزاده	فرشتگانی کـه در انجام اوامر الهی با سرعتی بادآسـا پـرواز می‌کنند.	توضیح	* نارسایی در معـال/ بسـط ساده

۳-۲-۱-۲- فرهنگ اجتماعی، آداب و رسوم، بوم‌شناسی

نیومارک بوم‌شناسی را مربوط به مؤلفه‌های جغرافیایی می‌داند ماننـد گیاهـان یـک سـرزمین، دشت‌ها، کوه‌ها و ... (نیومارک،۱۳۷۲: ۱۲۲). از جمله می‌توان به آیهٔ زیر اشاره کرد:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ (نبأ/ ١٤)

معصرات: بادهایی که ابرها را می‌فشارند. و یا ابرهایی که باران تولید می‌کنند (طبرسـی،١٤١٤، ج۹: ۲۱۵ و طوسی، ١٤٠٩: ٢٤١).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

معصرات: ابرهای بارنده یا بادهایی که ابرها را می‌فشارند تا ببارد (طباطبائی،١٤١٧، ج٢٠: ٤٤٠).

- مجتبوی: و از ابرهای باردار آبی سخت روان و ریزان فرو فرستادیم.
- صفارزاده: و از ابرهای فشرده، باران فراوان برای مصرف شما انسان‌ها فراهم کردیم.

مترجمان در ترجمه واژه «معصرات» از معادل توصیفی استفاده کرده و با اضافه کردن صفت سعی در نزدیک کردن معنای آن دارند. به نظر می‌رسد «ابرهای فشرده» صفارزاده به تفاسیر موجود نزدیک‌تر هستند.

جدول ٣-٦- نمونه‌هایی از ترجمهٔ واژگان فرهنگی٢ و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

واژه قرآنی	تفسیر/ نوع عنصر	مترجم	ترجمه	راهبرد	تداخل
الْعِشَارُ (تکویر/٤)	شتر ماده‌ای که ده ماهٔ حملش به پایان آمده و با ارزش‌ترین شتر در میان عرب‌ها (لسان العرب)./ بوم‌شناسی	مجتبوی	شتران آبستن	معادل توصیفی	حذف معنی فرهنگی
		صفارزاده	شترهای باردار (توضیح در پاورقی)	معادل توصیفی/ پاورقی	-
***اکْتَالُوا *کَالُوهُمْ، وَّزَنُوهُمْ (مطففین/٢ و٣)**	اکتالوا: باب افتعال: گرفتند و اخذ کردند؛ کالوهم: کالوا لهم، برای آن‌ها وزن کردند و کشیدند (صحاح). وَزَنُوهُمْ : همان کیل است. مکیال واحد وزن اهل مدینه است و "میزان" واحد وزن اهل	مجتبوی	* پیمانه ستانند *بپیمایند یا بسنجند-با ترازو وزن کنند -	* معادل توصیفی * معادل/ تصریح	- * نارسایی در معادل
		صفارزاده	* وقتی چیزی برای خود خریداری می-کنند، متاع را با	*توضیح	بسط ساده/ نارسایی در معادل

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

	مکه (لسان العرب). / تجارت واقتصاد		دقت وزن می‌کنند. * وزن کنند و پیمانه دهند.	* معادل	-
الْخُنَّسِ (تکویر/۱۵)	أخنَسَه: آن هنگام که او را پشت سر گذاشت، خُنس: همه ستارگان، چرا که در تاریکی فرومی‌روند یا در روشنایی روز پنهان می‌شوند. ستارگان پنج‌گانهٔ زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطار (صحاح).	مجتبوی	ستارگان بازگردنده	معادل توصیفی	-
		صفارزاده	ستارگانی که [هنگام روز] بازگشت می‌کنند و دور می‌شوند.	توضیح	بسط ساده

۳-۲-۲- عناصر و تلمیحات تاریخی

اشاره‌های تاریخی و یا تاریخی- دینی در آیات منتخب در موارد ذیل محدود می‌شود: ﴿**۱. حَدِيثُ مُوسَى و آية الكبرى**، ۲. **الْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى**، ۳. **فِرْعَوْن**، ٤. **الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا**، ٥. **عَبَسَ وَ تَوَلَّى**﴾

﴿**هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى * إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى**﴾ (نازعات/۱۵ و۱٦)

در این آیات به داستان حضرت موسی (ع) اشاره دارد؛ اینکه قومش او را تکذیب کردند و سختی‌های فراوانی کشید. بنابراین منظور از «حدیث» داستان است؛ «مقدس» یعنی پاک، «طوی»، اسم یک سرزمین است و یا به معنای سرزمینی است که در پاکی پیچیده شده است و آن جایی است که حضرت موسی (ع) با خدا سخن گفت (طبرسی،١٤١٤، ج۱۰: ۲۳۰).

- مجتبوی: آیا داستان موسی به تو رسیده است –تا تو را دلداری باشد بر تکذیب قوم – * آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی بخواند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

- صفارزاده: [ای پیامبر] آیا داستان موسی را شنیده‌ای! ❋ آنگاه که آفریدگار پروردگارش او را در سرزمین مقدس طُوی ندا داد.

در عبارت اول «**حَدِيثُ مُوسَى**» نیازی به توضیح نیست؛ چرا که داستان حضرت موسی (ع) بارها در قرآن تکرار شده و در فرهنگ مقصد آشنایی وجود دارد. اما در عبارت دوم «**بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى**»، مجتبوی از راهبرد انتقال استفاده کرده است و به مفهوم آن هیچ اشاره‌ای ندارد. همین‌طور است ترجمهٔ صفارزاده، با این تفاوت که «وادی» را معادل‌یابی کرده است. اگرچه «وادی مقدس طوی» در زبان فارسی نامأنوس نیست اما، به نظر می‌رسد أنس این واژه در حدی نیست که فقط بتوان به شیوهٔ انتقال آن بسنده کرد. بهتر بود اشاره‌ای به صورت شرح یا پاورقی بدان افزوده شود.

۳-۲-۳- عناصر دینی

از آنجایی که زبان و فرهنگ فارسی بسیار تحت تأثیر زبان عربی به‌ویژه عناصر دینی و قرآن کریم بوده و هست، واژگان فراوانی از عناصر دینی در هر دو فرهنگ یک معنا دارند و برخی عناصر فرهنگی با همان واژه به کار می‌رود. به همین دلیل مترجمان آن را ترجمه نکرده و از شیوهٔ انتقال استفاده کرده‌اند مانند «**الصُّورِ، العرش، النَّفْس، الْغَيْب، شَيْطَان، عَذَابًا**». اما بسیاری دیگر نیاز به ترجمه و چه بسا توضیح دارد و یا حداقل براساس زبان مبدأ ترجمه می‌شود مانند «**سَبْعًا، الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ، مَقَامَ رَبِّهِ**». جدول زیر شامل مواردی است که در آیات منتخب مدنظر قرار داده شد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

جدول ۳-۷- واژگان فرهنگ قرآنی و دینی

ردیف	عناصر فرهنگی - دینی (۲٤ مورد)					
۱	الصُّورِ	حِسَاب	عَذَابًا	الْأُفُقِ الْمُبِينِ	سَبْعًا شدادا	الْكَفَرَةُ (أَكْفَرَهُ)/
۲	العرش	الرُّوحُ	الْمُتَّقِينَ	كِرَامًا كَاتِبِينَ	نُشـــــرت / حُشرت	الْفَجَرَةُ / الفُجَّارِ
۳	النَّفْس	الْمَلَائِكَةُ	مَقَـــامَ رَبِّهِ	سِـــــجِّينٍ / عِلِّيِّينَ	أَمْرًا / الْأَمْرُ	الْجَحِيمَ / جَهَنَّمَ
٤	الرُّوح	الْغَيْب	تَسْنِيمٍ	شَيْطَان رَجِيمٍ	الْأُفُقِ الْمُبِينِ	الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى

صفارزاده در واژگانی که در زبان مقصد نیاز به توضیح و تصریح دارد، سعی می‌کند علاوه بر توضیحات حاشیه‌ای، در متن ترجمه این ابهام را از بین ببرد، گاهی دچار افزوده-های منفی چون بسط خلاقانه یا بسط ساده شده است. اما مجتبوی با پایبندی به متن مبدأ کمتر دچار افزوده‌ها شده و به همین دلیل در مواردی خود واژه مبهم باقی مانده است.

جدول ۳-۸- نمونه‌هایی از ترجمهٔ واژگان فرهنگی۴ و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

واژه قرآنی	تفسیر/معنای لغوی	مترجم	ترجمه	راهبرد	تداخل
الـــــرُّوحُ (نبـــأ/۳۸ و قدر ٤)	روح: موجودی تحت امر الهی غیر از فرشتگان، جبرئیل، مبدأ حیات و ایجاد، اشرف فرشتگان، موکل ارواح (طباطبائی).	مجتبوی	روح- جبرئیل یا فرشته همراه وحی -	انتقال/ تصریح	-
		صفارزاده	روح بزرگ	انتقال	نارسایی در معادل
سِـــــجِّينٍ (مطففین/۷) عِلِّيِّينَ (مطففین/۱۸)	* محلی که نامه اعمال فاسقان در آن قرار دارد (صحاح). یا دیوان شعری است که نامه اعمال کافران	مجتبوی	سجین/ علیّین	انتقال	نارسایی در معادل
		صفارزاده	سجین /	انتقال/	-

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

	در آن ثبت است. * دیوان خیری که نامه اعمال پاکان ر آن ثبت است و بدین نام است چون باعث رسیدن به بالاترین مقام بهشتی می-شود (کشاف).		علیّین (توضیح در پاورقی)	توضیح	
كِرَامًا كَاتِبِينَ (انفطار/۱۱)	در توصیف دو فرشته است که در نزد پروردگارشان دارای عزت و جلالت هستند و همه اعمال بنی بشر را می-نویسند (طبرسی).	مجتبوی	بزرگوارانی نویسنده	تحت-اللفظی	نارسایی در معادل
		صفارزاده	اینکه فرشتگان، مأموران الهی محترمی هستند که اعمال شما را یادداشت و ثبت می-کنند.	توضیح	بسط ساده

در جدول ذیل بسامد کل واژگان فرهنگی و میزان راهبردهایی که مترجمان برای بازگردانی آن‌ها در شش سورهٔ مورد بررسی استفاده کرده‌اند همراه با میزان تداخلی که با تکنیک‌های منفی دارند به صورت تفکیک شده، ارائه شده و سپس براساس همین بسامد راهبردهای منفی و مثبت آن‌ها در نمودار نشان داده شده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

جدول ۳-۹- بسامد راهبردهای ابهام‌زدایی فرهنگی و میزان تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

مترجم		صفارزاده	مجتبوی
بسامد و راهبردهای ترجمهٔ واژهٔ فرهنگی	معادل توصیفی	۳۱	۱٦
	معادل فرهنگی	۱۹	۱۷
	تحت‌اللفظی	۱۲	۱۸
	شرح	٤	٤
	انتقال	٤	٦
	پاورقی	۳	–
	موقت	۱	۲
	شرح+ توصیف	۱	۲
	شرح+ تحت‌اللفظی	–	۱۱
	جمع واژگان	۷۵	
بسامد راهبرد منفی		٦	۷

در ترجمهٔ این واژگان مجتبوی به ترجمهٔ تحت‌اللفظی پای‌بندتر است و غالباً بعد از ترجمه تحت‌اللفظی در داخل دو خط یا کروشه به تصریح و توضیح می‌پردازد. همچنین سعی دارد در مواردی که ممکن است معادل فرهنگی و یا توصیفی را برای برون‌رفت از ابهام و زیاده‌گویی و وفاداری به متن مبدأ جایگزین کند. چه بسا به همین علت گاهی دچار تکنیک منفی به‌ویژه «ابهام در متن» می‌شود. اما صفارزاده بر آن است که درصد بالایی از ابهام‌ها را شفافیت بخشد؛ با معادل توصیفی یا معادل فرهنگی و در مواردی از پاورقی و شرح و حاشیه استفاده کرده است. به همین دلیل بیشتر دچار تکنیک‌های منفی پرگویی و بسط خلاقانه شده است. از این رو، هر دو در بازگردانی عناصر فرهنگی به یکسان دارای کفایت مثبت و منفی هستند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

نمودار ۳-۲- بسامد راهبردهای مثبت و منفی در ترجمهٔ واژگان فرهنگی

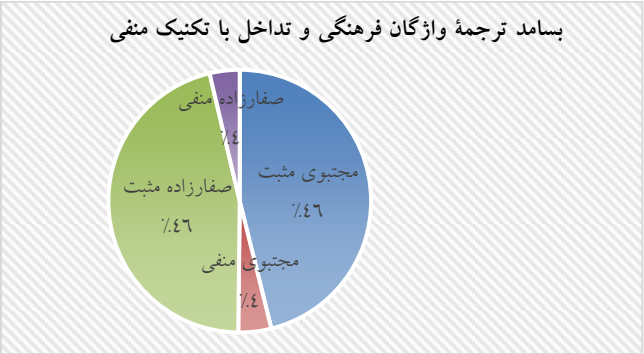

۳-۳- واژگان مجازی

براساس دیدگاه نیومارک به عنوان پایهٔ اصلی الگوی گارسس، مجاز نوعی از استعاره است، چرا که وی در تعریف استعاره چنین می‌گوید: منظور من از استعاره، هر نوع بیانی است نمادین و کنایه‌ای باشد (نیومارک،۱۳۷۲: ۱۳۵). و براساس این تعریف تمامی بخش‌های مجازی از جمله کنایه، استعاره (به معنای قدیم خود)، مجاز مرسل و عقلی را جزئی از آن می‌داند (ر.ک: همان:۱۳۵-۱۳۷) و هفت شیوه برای ترجمه استعاره ارائه داده است. اما، به طور کلی مترجمان در ترجمهٔ مجازها بر سه اصل: ترجمهٔ معنایی (معنای لغوی و مجازی)، ارتباطی (مقصود مجاز)، معنایی-ارتباطی (مفهوم مجاز و ترجمهٔ لغوی) پایبند هستند. این راهبردها در ترجمهٔ کنایه، مجازهای مرسل و عقلی بررسی می‌شود. شیوه‌های نیومارک برای ترجمهٔ استعاره به معنای خاص که مورد تأیید گارسس بوده ذیل استعاره توضیح داده خواهد شد. به طور کلی ۷۷ مورد کنایه با انواع مختلف خود (موصوف، صفت، نسبت)، ۱٦مورد استعاره، ۲٦ مورد مجاز در آیات منتخب وجود دارد:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

جدول ۳-۱۰- بسامد واژگان مجازی

	استعاره	کنایه					مجاز	
۱	مَحْجُوبُ	الطَّامَّةُ	يَوْمَ الْفَصْلِ	حِسَابًا	الدِّينِ	الصَّاخَّةُ	نَوْمَكُمْ سُبَاتًا	وُجُوهٍ
۲	انفَطَرَتْ	الْيَوْمُ الْحَقُّ	النَّبَإِ الْعَظِيمِ	الرَّاجِفَةُ	الرَّادِفَةُ	نَعِيمٍ	النَّهَار مَعَاشًا	الْقُبُورُ
۳	انتَثَرَتْ	يَوْمِ عَظِيمٍ	زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ	النَّازِعَاتِ	غَرْقًا	الصُّحُفُ	أَنبَتْنَا عِنَبًا	قَضْبًا
٤	رَانَ عَلَى	مَّا أَحْضَرَتْ	الْآيَةَ الْكُبْرَى	النَّاشِطَاتِ	نَشْطًا	السَّاعَةِ	شَقَقْنَا الْأَرْضَ	الْمَاء
٥	عَسْعَسَ	مَّا أَخَّرَتْ	ماقَـــدَّمَتْ يَدَاهُ	السَّابِحَاتِ	سَبْحًا	الْحَافِرَةِ	أَخْرَجَ مَرْعَاهَا	سَبْعًا
٦	كُشِطَتْ	لِنُخْرِجَ	الْأُفُقِ الْمُبِينِ	السَّابِقَاتِ	سَبْقًا	مِرْصَادًا	السَّمَاء أَبْوَابًا	حِسَاب
۷	انكَدَرَتْ	لَايَمْلِكُونَ	عِندَه مَكِين	الْمُدَبِّرَاتِ	أمراً	مَّرْقُومٌ	الْجِبَالُ سَرَابًا	خَاسِرَةٌ
۸	مُرْسَاهَا	ذِي الْعَرْشِ	رَسُولٍ كَرِيمٍ	صَاحِبُكُم	أَخِيهِ	وَاجِفَةٌ	أَبْصَارُهَا	قُلُوبٌ
۹	تَنَفَّسَ	مَـــا هُـــمْ بِغَائِبِينَ	يَضْحَكُونَ	مُّسْتَبْشِرَةٌ	يَتَغَامَزُونَ	كَرَّةٌ	عِظَامًا نَّخِرَةً	مَاءهَا
۱۰	كُوِّرَتْ	عَلَـــــــى الْأَرَائِكِ	تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ	لَايَذُوقُونَ	الْخُنَّس	كِتَابَ	ضُحَاهَا	حَبًّا
۱۱	سَمْكَ	أَدْبَرَ يَسْعَى	عَلَيْهَاغَبَرَةٌ	يَقُـــــومُ لِرَبٍّ	اسْتَغْنَى	تُرَابًا	نَعِيمٍ	نَبَاتًا
۱۲	سِرَاجًا	فَكِهِين	نَكَالَ	مَّرْفُوعَةٍ	أَسَاطِيرُ	تَلَهَّى	حَمِيمًا	بَرْدًا
۱۳	أَغْطَشَ	السَّبِيلَ	مَاسَعَى	الْوُحُوشُ	الْغَيْبِ	مُطَاعٍ	يَدَاهُ	شَرَابًا
١٤	لِبَاسًا	خَاشِعَةٌ	الْمَأْوَى	السَّاهِرَةِ	مُّسْفِرَةٌ	الْجَوَارِ	-	-
١٥	مِهَاد	سَفَرَةٍ	بَنَيْنَا	بُعْثِرَتْ	أَلْفَافًا	مُنتَهَاهَا	-	-
١٦	أَوْتَاد	مُّطَهَّرَةٍ	الْكُنَّسِ	-	-	-	-	-

۳-۳-۱- کنایه

در سوره‌های بررسی شده کنایه شکل‌های گوناگونی دارد و بیشترین تکرار مربوط به اسامی قیامت و جهنم است.

﴿ **فَإِذَا جَاءتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى** ﴾ (نازعات/٣٤) ﴿ **فَإِذَا جَاءتِ الصَّاخَّةُ** ﴾ (عبس/٣٣)

«الطَّامَّةُ» همان قیامت است که از هر مصیبت و وحشتی بالاتر است. «طـمّ» یعنی بالاتر رفت و چیره شد. برخی می‌گویند آن نفخ دوم است (طبرسی،١٤١٤، ج١٠: ٢٣٤). «الصَّاخَّةُ»

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

منظور فریاد قیامت است. به این اسم نامیده چون از صدای بسیار بلندی که دارد نزدیک است که گوش‌ها را ناشنوا کند (همان: ۲۴۳).

- مجتبوی: پس چون آن بلای سخت بزرگ – روز رستاخیز– بیاید. * پس چون آن بانگ هول‌انگیز [رستاخیز] بیاید.
- صفارزاده: هنگامی که واقعهٔ سهمگین قیامت واقع شود. * همان روز که صدای مهیب شیپور برای بار دوم به گوش خلق جهان می‌رسد.

مجتبوی با استفاده از راهبرد «معنایی–ارتباطی» معنای لغوی و سپس مکنی‌عنه را تصریح کرده است. صفارزاده سعی دارد با استفاده از همان شیوه، معنای ظاهری و باطنی را به ویژه در آیهٔ اول بیان کند اما از متن اصلی دور شده و باعث پیچیدگی شده است. راهبرد مجتبوی برای ترجمهٔ کنایه‌ها بهتر است، هر چند وی گاهی در شفاف‌سازی ابهام‌ها دچار کاستی شده است.

جدول ۳-۱۱- نمونه‌هایی از ترجمهٔ کنایه و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

واژه قرآنی	تفسیر/ معنای لغوی	مترجم	ترجمه	راهبرد ترجمه	تداخل
إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا (نازعات/ ٤٤)	سرانجامِ دانشش به سوی پروردگار توست یعنی فقط خداوند می‌داند چه وقت قیامت برپا می‌شود (طوسی).	مجتبوی	[دانش] پایانه و سرانجامِ آن	معنایی- ارتباطی	–
		صفارزاده	علم روزگارِ سرانجام (رستاخیز و عاقبت انسان)	ارتباطی/ توضیح	–
***رَسُولٍ كَرِيمٍ *ذِي الْعَرْشِ**	«رَسُولٍ» کنایه از «جبرئیل»، «ذی العرش» کنایه از باری تعالی و «صاحب» کنایه از	مجتبوی	* فرستاده‌ای بزرگوار – جبرئیل– * خداوند عرش * یار شما –	* معنایی- ارتباطی * معنایی *معنایی- ارتباطی	–

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

*صَاحِبُكُمْ (تکویر/۱۹/ ۲۰/ ۲۲)	پیامبر اکرم (ص) است (کشاف).		پیامبر -		
		صفارزاده	* فرشته‌ای بزرگوار و مقرّب * خداوند صاحب عرش * سرپرست شما	* معنایی * معنایی- ارتباطی * معنایی	بسط خلاقه - -
يَتَغَامَزُونَ (مطففین/ ۳۰)	یتغامزون: یعنی با چشم یه هم اشاره می‌کنند (کشاف). کنایه از صفت «تمسخر و استهزاء کردن».	مجتبوی	به یکدیگر چشمک می‌زدند - با چشم و ابرو به طعنه و مسخره اشاره می‌کردند-	معنایی- ارتباطی	-
		صفارزاده	با چشم و ابرو به هم اشاره می-کردند و آنان را مورد استهزاء قرار می‌دادند	معنایی- ارتباطی	-

۳-۳-۲- مجاز (مرسل و عقلی)

صفارزاده برای ترجمهٔ مجازها به توضیح روی آورده است. مجتبوی با ترجمهٔ ارتباطی و یا معنایی و حداکثر با توضیحات با فاصله از متن اصلی ابهام را از بین برده است:

جدول ۳-۱۲- نمونه‌هایی از ترجمهٔ مجازها و تداخل آن‌ها با راهبردهای منفی

واژه قرآنی	تفسیر/معنای لغوی	مترجم	ترجمه	راهبرد	تداخل
لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (نبأ/ ۱۵)	اسناد بیرون آوردن به دانه: مجاز مرسل با علاقهٔ ما کان؛ منظور گیاهی که از دانه رشد می‌کند.	مجتبوی	دانه و گیاه	معنایی	ابهام
		صفارزاده	غلّه و سبزی و میوه	ارتباطی	بسط خلاقه

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

*نَـــوْمَكُمْ سُبَاتًا *النَّهَـــارَ مَعَاشًا (نبأ/۱۱/۹)	اسناد «سبات» و «معاش» بـه ترتیب بـه «نـوم» و «نهـار» : مجـاز بـا علاقـهٔ «سـببیه» و «زمان»	مجتبوی	* مایهٔ آسایش و راحتی *هنگام جسـتن مایــه و اسـباب زندگانی – وقت کـار و کوشـش شما –	معنایی– ارتباطی	–
		صفارزاده	* مایهٔ استراحت و آرامش * زمان کسب و کـار و کوشـش بـــرای فـــراهم نمـودن وسـایل زنـــــدگی و معیشـــــت از نعمات خداوند	معنایی– ارتباطی	– * بسـط خلاقه
*لَا يَـــذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا *فَـــذُوقُوا فَلَـــنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَـــذَابًا (نبـــأ/۲٤ و۳۰)	ذوقِ خنکی: مطلـق دسـت-یـابی (طباطبـائی). اسـناد چشیدن به خنکی و عـذاب، یا چشـیدن یکـی از روش-های درک کردن	مجتبوی	* نه چشند * بچشید	معنایی	–
		صفارزاده	* فراهم نیست * بچشید	معنایی	اشـــتباه مترجم

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۳-۳-۳- استعاره

این مقوله بسامد کمتری را در تصویرسازی آیات نسبت به کنایه بـه خـود اختصـاص داده و ترجمهٔ آن مشکل‌تر و دارای پستی بلندی‌های بیشتری است. در غالـب مـوارد مترجمـان بـه ترجمه مفهومی و یا تحت‌اللفظی به همراه توضیح و شرح تکیه دارند. این بخش از زبـان بـه عنوان یکی از پردردسرترین بخش ترجمهٔ متون به شمار می‌آید؛ چرا که، دارای بار فرهنگـی و زیبایی‌شناختی است. نیومارک هفت شیوه برای ترجمه آن ارائه داده است:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی و باقی ماندن در سطح لفظ (معنایی)؛

۲. جایگزینی با استعاره‌ای معادل (معادل‌یابی)؛

۳. جایگزینی تشبیه به جای استعاره؛

٤. ترجمهٔ به تشبیه با افزوده‌های تفسیری؛

۵. برگردان استعاره به معنای آن (ترجمهٔ مفهومی و ارتباطی)؛

٦. حذف استعاره (البته با جبران)؛

۷. ترجمهٔ تحت‌اللفظی با توضیح مفهوم (معنایی-ارتباطی) (نیومارک،۱۳۷۲: ۱۰۰-۸۷).

جدول ۴-۱۳- نمونه‌هایی از ترجمهٔ استعارات و تداخل آن‌ها با راهبرد منفی

واژه قرآنی	تفسیر/معنای استعاری	مترجم	ترجمه	راهبرد ترجمه	تداخل
الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (تکویر/۱)	در باب تفعیل یعنی جمع کرده عمامه و گرد کرد آن بر روی سر (لسان العرب). / از بین رفتن نور خورشید	مجتبوی	درهم‌پیچیده و بی‌نور	تحت‌اللفظی- مفهومی	-
		صفارزاده	درهم‌پیچیده و تاریک	تحت‌اللفظی- مفهومی	-
السَّمَاءُ كُشِطَتْ (تکویر/ ۱۱)	«کشط شتر» : «کندن پوستش» (صحاح). آسمان از جایش برکنده می‌شود مانند کنده شدن پوست از حیوان قربانی (طبرسی).	مجتبوی	آسمان برکنده و درنَوَرْدیده شود	مفهومی	بسط ساده
		صفارزاده	پرده از روی آسمان برگرفته شود	مفهومی	-
سِرَاجًا	«سراجا» استعاره از	مجتبوی	چراغی	تحت‌اللفظی-	-

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

وَهَّاجًـــــا (نبأ/۱۳)	خورشید		درخشـــــان - خورشید -	مفهومی	
		صفارزاده	چراغ درخشندهٔ خورشید	تحـــت‌اللفظـــی- مفهومی	-

جدول ذیل براساس مواردی که از تمامی بخش‌هـای مجـاز بـه دسـت آمـده و راهبردهـای معنایی-ارتباطی، ارتباطی و معنایی به عنوان راهبردهای کلی برای ترجمه‌های مجاز در شـش سورهٔ مورد بررسی ارائه شده است. به نظر می‌رسد از بین این سه راهبرد، شیوهٔ اول بـیش از دیگر راهبردها ویژگی‌های مربوط به الگوهای ادبی زبان مبدأ را حفظ کرده و درعین‌حـال در زبان مقصد دارای مقبولیت اسـت. بـراین‌اسـاس، مجتبـوی بیشـتر از صـفارزاده بـه راهبـرد معنایی- ارتباطی برای شـفاف‌سـازی مجازهـا تکیـه دارد، درحـالی کـه کمتـر از وی دچـار تکنیک‌های منفی می‌شود.

جدول ۳-۱۴- بسامد راهبرد ابهام‌زدایی مجازها و میزان تداخل آن‌ها با راهبرد منفی

مترجم			صفارزاده	مجتبوی
بســامد و راهبردهــای ترجمـهٔ واژهٔ مجـازی و تداخل با تکنیـک‌هـای منفی	کنایه : ۷۷ مورد	معنایی-ارتباطی	۳۳	۳۹
		ارتباطی	۲۵	۱۳
		معنایی	۱۹	۲۵
		تداخل منفی	۲٤	۱۲
	ستعاره: ۱٦ مورد	معنایی-ارتباطی	۵	۷
		ارتباطی	٤	۵
		معنایی	۵	٤
		تداخل منفی	۱	۱
	مجاز: ۲٦ مورد	معنایی-ارتباطی	۱۳	۱۳
		ارتباطی	۷	٦
		معنایی	۸	۱۰
		تداخل منفی	۲	۱

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

نمودار۳-۳- بسامد راهبردهای مثبت و منفی در ترجمۀ واژگان مجازی

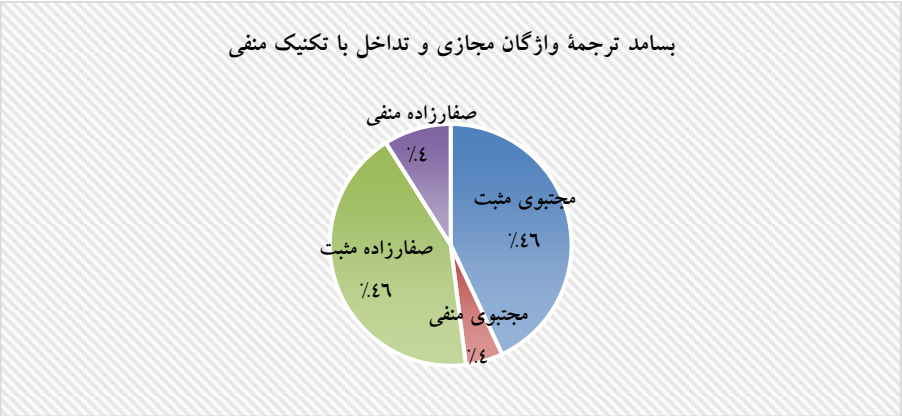

۴- نتیجه‌گیری

در نتیجۀ بررسی راهبردهای ترجمۀ صفارزاده و مجتبوی از ابهام واژگانی در شش سورۀ ابتدایی جزء سی‌ام قرآن کریم، نتایج زیر به دست آمد:

۱- در ترجمۀ واژگان چندمعنا و اضداد، اصلی‌ترین راهبرد توجه به بافت آیات برای انتخاب نزدیک‌ترین معنا است. هر دو مترجم در غالب موارد، یکی از معانی را براساس بافت و سیاق آیات براساس راهبرد تعریف ترجمه کرده‌اند. در ترجمۀ هر دومعنا راهبرد متفاوتی دارند؛ صفارزاده راهبرد توضیح به صورت اشراب‌شده در متن و مجتبوی به دلیل وفاداری به متن اصلی، غالباً راهبرد بسط معنایی و نحوی به صورت جدای از متن (داخل کروشه و دو خط فاصل) به کار برده‌اند. به طور کلی صفارزاده در هر دو ترجمه (یک معنا یا دو معنا) در بیشتر موارد دچار پرگویی و افزوده‌های خلاقانه شده و بیش از مجتبوی دارای مقبولیت و کفایت منفی است. [تعداد کل واژگان اضداد و چندمعنا:۲۲ ؛ بسامد راهبردها با کفایت مثبت: مجتبوی ٤٣ ٪ ، صفارزاده ٣٦ ٪ ؛ بسامد راهبردها با کفایت منفی: مجتبوی ٧ ٪ ، صفارزاده ١٤ ٪]

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۲- در واژگان فرهنگی، مجتبوی در بیشتر موارد از راهبرد تحت‌اللفظی و یا تلفیقی از تحت‌اللفظی و شرح (در داخل دو خط یا کروشه) استفاده کرده و در وهلهٔ بعدی از راهبردهای معادل فرهنگی یا توصیفی را برای برون‌رفت از ابهام و زیاده‌گویی جایگزین می‌کند. چه بسا به همین علت گاهی دچار تکنیک منفی «ابهام در متن» به‌ویژه در تلمیحات قرآنی می‌شود. همچنین وی از پاورقی اصلا استفاده نکرده است. صفارزاده درصد بالایی از ابهام‌ها را با راهبردهای معادل توصیفی یا معادل فرهنگی و پس از آن‌ها در مواردی با پاورقی و شرح شفافیت بخشیده است. به همین علت دچار تکنیک‌های منفی پرگویی و بسط خلاقانه شده است.

بنابراین، اگرچه بسامد راهبردهای هر یک از مترجمان در شفاف‌سازی ابهام‌های فرهنگی متفاوت است اما، هر دو مترجم تقریباً به یک اندازه سعی در تصریح دارند. از دیگر سو، بسامد تکنیک‌های منفی در هر دو ترجمه یکسان است اگرچه در این بخش هم راهبردهای آن‌ها با هم متفاوت است. [تعداد کل واژگان فرهنگی: ۷۵ واژه؛ بسامد راهبردها با کفایت مثبت: هر دو مترجم: ٤٦ ٪ ؛ بسامد راهبردها با کفایت منفی: هر دو مترجم: ٤ ٪]

۳- در ابهام‌زدایی بخش واژگان مجازی شامل کنایه، مجازهای لغوی و اسنادی، استعاره، هر دو مترجم سعی دارند بوسیلهٔ راهبرد معنایی- ارتباطی بیش از دو راهبرد دیگر معنایی و یا ارتباطی به بازگردانی واژگان بپردازند. این راهبرد در ترجمه مجتبوی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است؛ به‌ویژه در تصریح کنایه‌ها، به طوری که در اکثر موارد بعد از ترجمهٔ معنایی کنایه، به تصریح آن‌ها در داخل کروشه یا خط فاصل پرداخته است.

اگرچه صفارزاده راهبرد معنایی- ارتباطی را بیشتر از راهبرد ترجمهٔ ارتباطی به کار برده است اما، بیش از مجتبوی به ترجمهٔ ارتباطی پرداخته است. به عبارت دیگر، صفارزاده به ویژه در تصریح کنایه‌ها به ترجمهٔ ارتباطی یعنی بیان مصرح‌عنه بسیار بیشتر از مجتبوی تکیه دارد. در نتیجه بیش از وی از زبان مبدأ دور شده و به زبان مقصد نزدیک‌تر است. از سوی دیگر، هر دو مترجم دچار تکنیک‌های منفی به‌ویژه ابهام در متن مقصد، بسط خلاقانه و بسط

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

ساده شده‌اند. در این بخش صفارزاده به‌ویژه در استفاده از افزوده‌سازی بیش از مجتبوی دچار تداخل در تکنیک‌های منفی می‌شود. [تعداد کل واژگان مجازی: ۱۲۲ واژه؛ بسامد راهبردها با کفایت مثبت: هر دو مترجم: ٤٣ ٪ ؛ بسامد راهبردها با کفایت منفی: مجتبوی: ۵ ٪ ، صفارزاده: ۹ ٪]

به طور کلی، مجتبوی با تکیه بر سبک ارتباطی، به همان اندازه که به خواننده مقصد توجه دارد، در تلاش است از متن اصلی قرآن دور نشود و به‌ویژه در مواردی که نیاز به شرح مبسوط است، دچار ابهام شده یا ابهام‌ها در حد خود باقی می‌مانند. راهبردهای وی در ترجمهٔ مجازها به‌ویژه کنایه‌ها و واژگان اضداد و چندمعنا دارای بسندگی و پذیرفتگی بالایی است و بیش از صفارزاده دارای مقبولیت و کفایت مثبت است. همانگونه که کمتر از وی دچار تکنیک‌های منفی می‌شود. صفارزاده با سبک ترجمهٔ آزاد، ارائهٔ متنی مقصدمحور و به دور از هرگونه ابهامی است. به همین دلیل بیش از مجتبوی دچار تکنیک‌های منفی چون افزوده‌های خلاقانه و پیچیده به صورت اشراب شده در متن، در شفاف‌سازی ابهام‌ها می‌شود، به‌ویژه در واژگان چندمعنا و مجازی. اگرچه این راهبردها در ترجمهٔ واژگانی که نیازمند توضیح مفصل هستند همچون تلمیحات قرآنی، دارای بسندگی و پذیرفتگی بالایی است. در نتیجه، ترجمهٔ مجتبوی (البته با تفاوت کمی) زمینه بیشتری برای حصول پذیرفتگی و بسندگی بهتر در ابهام‌زدایی واژگانی فراهم کرده است.

به‌کارگیری برخی از راهبردهای مثبت و مقبول هر یک از مترجمان در ترجمهٔ یکدیگر در کاهش نقاط ضعف آن‌ها مؤثر است. به طور مثال در ترجمهٔ تلمیحات قرآنی می‌توان برخی از راهبردهای صفارزاده را جایگزین راهبردهای مجتبوی کرد و همچنین کاهش توضیحات اضافه و خلاقانه و یا ایجاد فاصل بین ترجمهٔ اصلی و توضیحات و شرح‌ها براساس راهبردهای مجتبوی در ترجمهٔ مجازها و واژگان چندمعنا، می‌تواند میزان کفایت و مقبولیت را در ترجمهٔ صفارزاده بهبود بخشد. از این نظر، پژوهش حاضر با ارائه نقاط ضعف و قوّت مترجمان در به‌کارگیری راهبردهای بازگردانی ابهام‌ها به‌ویژه عناصر مجازی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

و فرهنگی در پی کاستن از ضعف‌ها و تقویت توانمندی‌های دو مترجم و همچنین کاربرد راهبردهای مقبول و با کفایت مثبت دیگر مترجمان است.

۵- پی نوشت

1. Translation Quality Assessment
2. Peter newmark
3. Paraphrase
4. Ambiguity
5. Carmen Valero Garces
6. Eugene A. Nida
7. Viney & Darbelent
8. Adequacy
9. Acceptability
10. Semantic-lexical
11. Syntactical-morphological
12. Discursive-functional
13. Stylistic-pragmatic
14. Definition
15. Cultural Equivalent
16. Grammatical Expansion
17. Explanation
18. Grammatical Reduction
19. Literal Translation
20. Creative expansion
21. Elaboration versus Simplification
22. Lexical ambiguity
23. Naturalization

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۶- منابع

*قرآن کریم

۱- آذرشب، محمدعلی، ملکی، معصومه، اسداله‌ئی، لیلا، «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای براساس الگوی گارسس (مطالعهٔ موردی: سوره مبارکه قمر)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ١٦، شماره ١٢، ٢٦٠-٢٢٥، (١٣٩٨ش).

٢- ابن الانباری، محمد به قاسم، *کتاب الاضداد*، بیروت: مکتبة العصریة، (بی تا).

٣- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، (١٤١٠ق).

٤- اسعدعرار، مهدی، *ظاهرة اللبس فی العربیة، جدل التواصل و التفاصل*، ط:١، عمان: دار وائل للنشر، (٢٠٠٣م).

٥- اقبالی، مسعود، نامداری، ابراهیم، «نقد و بررسی ترجمهٔ الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سورهٔ مبارکهٔ یوسف با تأکید بر نظریهٔ سطح صرفی‌نحوی گارسس»، *پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، سال ٧، شماره اول، پیاپی (١٣)، ١٥٤-١٣٦، (١٣٩٧ش).

٦- امرایی، محمدحسن، «نقد ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت‌الله یزدی براساس الگوی گارسس (مطالعه موردی سوره بقره)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ٥، شماره ١٠، ٤٦-١، (١٣٩٧ش).

٧- تفتازانی، سعدالدین، *شرح المختصر فی المعانی و البیان و البدیع*، ط:٦، قم: اسماعیلیان، (١٤٣١ق).

٨- جواهری، محمدحسن، «ابهام‌شناسی در ترجمه قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال ١٤، شماره ٥٣، ٢٠١-١٨٧، (١٣٧٨ش).

٩- جوهری، محمد بن حماد، *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة*، القاهرة: دارالحدیث، (٢٠٠٩م).

١٠- حیدریان، اکبر، مرتضایی، جواد، صالحی نیا، مریم ، «ابهام وابهام آفرینی در تلمیحات اسطوره-ای، حماسی و عیسوی دیوان خاقانی»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال ٩، شماره ١، ٢٦-١، (١٣٩٧ش).

١١- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، ط:الثالث، بیروت:دارالمعرفة، (٢٠٠٩م).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۱۲- زندرحیمی، مینا، «بررسی مقایسه‌ای افزوده‌های تفسیری در پنج ترجمهٔ معاصر فارسی و انگلیسی»، *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا (س)*، سال ۱۰، شماره ۲۹، ۱۴۹-۱۱۷، (۱۳۹۷ش).

۱۳- شمس آبادی، حسین، شاهسونی، مجتبی، «آسیب‌شناسی ترجمه در بخش‌های خبری رسانه-های عربی‌زبان برون‌مرزی (شبکه العالم، شبکه الکوثر و رادیو عربی)» *پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل*، سال ۳، شماره ۳، ۲۹۴-۲۷۵، (۱۳۹۷ش).

۱۴- شهبازی، محمود، شهبازی، علی اصغر، «واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمهٔ قرآن کریم»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۱، شماره ۱، ۶۸-۴۷، (۱۳۹۳ش).

۱۵- شیری، قهرمان، «ابهام ادبی»، *فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، سال ۳، شماره ۲، پیاپی ۵، ۳۶-۱۵، (۱۳۹۰ش).

۱۶- صفارزاده، طاهره، *ترجمه قرآن کریم*، چ : دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایه کوثر، (۱۳۸۰ش).

۱۷- طباطبائی، السید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، المجلد: ۲۰، بیروت: مؤسسة الأعلی للمطبوعات، (۱۴۱۷ق).

۱۸- طبری، محمد بن طبری، *جامع البیان في تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة، (بی تا).

۱۹- طبرسی، شیخ أبوعلی الفضل بن الحسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، الجزء العاشر، لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع- بیروت، (۱۴۱۴ق).

۲۰- طوسی، محمد ابن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العالمی، (بی‌تا).

۲۱- فتوحی، محمود، «ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چندلایگی معنا»، *مجلهٔ ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۶، شماره ۶۲، ۳۶-۱۹، (۱۳۸۷ش).

۲۲- فرزانه، شهین، *ارزیابی و مقایسهٔ ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس مدل گارسس (۱۹۹۴)*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، (۱۳۸۷ش).

۲۳- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، دمشق: دارالرسالة، (۱۹۹۸م).

۲۴- قرعاوی، سلیمان بن صالح، *الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، دراسنة و موازنة*، جامعهٔ ملک فیصل:الاحساد (۱۴۱۰ هـ).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]

۲۵- مجتبوی، جلال الدین، *ترجمه قرآن کریم*، تهران: کیهان اندیشه، (۱۳۷۲ش).

۲٦- مختاری اردکانی، محمد علی، «چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه»، *مترجم*، شماره ۲۵، ۵۰-۵۸، (۱۳۷٦ش).

۲۷- ناظمیان، رضا، خورشا، صادق، «تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزهٔ ساختار جمله، زمان و ضمایر»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ۹، شماره ۲۰، ۲۷۲-۲٤۷، (۱۳۹۸ش).

۲۸- نظری، یوسف، «وجوه ابهام یا ایهام نحوی در زبان عربی و تأثیر آن بر ترجمهٔ قرآن کریم»، *ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، سال ٦، شماره ۱۵، ۸۸-٦٤، (۱۳۹۵ش).

۲۹- نیومارک، پیتر، *دوره آموزش فنون ترجمه*، تر: منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما، (۱۳۷۲ش).

30 - Garcés, Carman Valero , "A methodological proposal for the assessment of translated literary works" , *Babel*, 40:277 -120, (1994)

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2025-07-13]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1399.7.13.9.0]